

## انتظار از دین و نظام مسائل ما

منصور نصیری<sup>۱</sup>

بهروز محمدی منفرد<sup>۲</sup>

چکیده

منصور نصیری:

گام نخست، بیان مسائل اساسی و نسبت آن مسائل با دین است. نخستین پرسش، سؤال از نیازهای بشر در دنیای مدرن و پست مدرن است و اینکه آیا دین نسبت به این نیازها، راهکار و پاسخی دارد که برای پاسخ، توجه به مباحث معرفت دینی، تفاوت میان معرفت دینی، شناسایی نظام‌های معرفتی و الهیاتی در راستای ایجاد نظام معرفتی جدید یا بازخوانی نظام معارفی موجود، بهره‌گیری از علوم جدید و داشتن مطالعات تطبیقی لازم است.

بهروز محمدی منفرد:

برای رسیدن به رویکردی نوین در قرآن‌پژوهی، تبیین دیدگاه‌های فیلسوفان سنتی درباره فهم علم، هستی‌شناسی علم، منبع علم و نسبت آن‌ها با علوم جدید سپس مبتنی بر رویکردی پدیدارشناسانه و در مطالعه‌ای تطبیقی، عرضه مسائل به قرآن لازم است. به بیانی دیگر، شناسایی چالش‌های نوین و عرضه پدیدارشناسانه آن‌ها به قرآن، برای ایجاد سازگاری مطلوب ما است. در فلسفه غرب و در نزاع میان فلسفه‌های قاره‌ای و تحلیلی، آگزیستانسیالیست‌ها، اندیشه‌های خود را در قالب رمان، تئاتر، سینما و... آورده‌اند و لذا در حل مسائل نظام جهان معاصر موفق‌تر بوده‌اند. ما نیز قادر هستیم از جریان‌های فلسفی سنتی چون سینیوی و صدرایی یا نگاه‌های سنتی دین‌دارانه نظیر نگاه اصولیون و فقها بهره بگیریم.

منصور نصیری:

فهم چگونگی شکل‌گیری معرفت دینی و تعامل آن با سایر معرفت‌ها، از جمله مسائل ابتدایی و ضروری است که نیاز به فلسفه علم را نتیجه می‌دهد. چنانکه برخی در غرب، معرفت‌شناسی و نظام الهیاتی خود را بر اساس الگویی که در فلسفه علم مطرح می‌شود، گسترش و شرح و بسط داده‌اند. نانسی مورفی، معرفت دینی را قابل تغییر دانسته و به چگونگی تغییر معرفت دینی توجه می‌نماید. از نظر من نیز تفسیرپذیری مستمر متون دینی در قالب دیدگاه‌هایی نظیر قبض و بسط تنوریک شریعت و دیدگاه اصلاح‌شده لاکتوش قابل طرح است.

---

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پردیس فارابی دانشگاه تهران.

nasirimansour@ut.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه پردیس فارابی دانشگاه تهران.

mohammadimunfared@ut.ac.ir

انتظارات از دین و پاسخ‌های احتمالی به آن، مشخص کردن رابطه میان سنت (به معنای برداشت‌های شعائری از دین) و خود دین و نیز دین و عقل و بیان موضع درباره اعتقاد به واقع‌گرایی یا ابزارگرایی در دین، از جمله مسائل بعدی هستند. در همین راستا، تکیه بر پارادایم، نباید زمینه‌ساز ابزارگرایی گردد؛ لذا پاسخ به اینکه آیا دین و معرفت دینی واقع‌نماست؟ رابطه معرفت دینی پیشنهادی هر اندیشمند با معرفت پیشنهادی از سوی اندیشمندان دیگر چیست؟ آیا مقایسه، پارادایمی است یا اینکه یکی حق است و دیگری ناحق؟ زمینه‌ساز حل سایر معارف است.

در پاسخ به سؤال انتظار بشر از دین، در اولین مرحله باید هدف دین مشخص شود که آیا صرفاً در حوزه فردی است و لذا اگر در دین راجع به حوزه اجتماع هم سخنی آمده است، ارشادی است یا اینکه دین در همه شئون بشر دخالت می‌کند و احکام ایجابی می‌دهد که در این صورت، باید نحوه تعامل دین با مسائل جهان جدید را مشخص کرد. با روشن شدن هدف دین، طلب‌ها و استلزام‌های معرفتی ما از دین نیز مشخص می‌شود. دیدگاه‌های متفاوتی، از جمله دیدگاه تجربه‌گرایان مصری در این زمینه مطرح شده است که درصدد هستند که نشان دهند، تمامی معارف بشری در قرآن وجود دارد.

**بهروز محمدی منفرد:**

چالش‌های فراوانی در مسئله پیشرفت و توسعه وجود دارد:

۱. تکثرگرایی در فهم پیشرفت و توسعه؛
  ۲. مشخص کردن نسبت میان انسان‌شناسی و پیشرفت؛
  ۳. حیث روان‌شناختی و انگیزشی مسئله پیشرفت؛
  ۴. نوع رابطه میان اخلاق و پیشرفت و اینکه در صورت تناقض داشتن کدام مقدم است.
- در نگاه دیالکتیکی و گفتگوی میان عقل و وحی، باید تکلیف برخی از مسائل بنیادین مانند تعیین محدوده اختیارات عقل و نیز رابطه میان سنت و دین مشخص شود.

**منصور نصیری:**

منابع معرفت به معنای عام به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. منابع عادی که در دسترس همه انسان‌ها هستند؛ مثل حس و مشاهده، عقل، نقل، شهود درونی یا به اعتباری، شهود عقلی؛
۲. منابع غیرعادی که شامل وحی بوده و ماورائی است و تنها در دسترس انبیاء قرار دارد که با دید حداکثری پیامبران، علاوه بر اخبار از ماوراء، نسبت به دنیای فعلی نیز معرفت می‌بخشند.

**بهروز محمدی منفرد:**

بعد از سؤال از منابع شناخت، سؤالات دیگری مطرح می‌شود:

- محدوده و چگونگی توجیه باور و چگونگی استفاده از آن در حوزه علوم انسانی و شیوه‌های پیشنهادی برای توجیه باور در قرآن، انسجام‌گرایی، مبنای‌گرایی و زمینه‌گرایی؛
- مطلق‌گرا یا نسبی‌گرا بودن قرآن در حوزه فهم؛
- چپستی وظایف در حوزه اخلاق باور، در قبال معارف قرآنی؛
- امکان علوم انسانی اسلامی و چگونگی پالایش آن؛
- رابطه عقل و علم و دین؛
- روش‌شناسی لازم برای نسبت‌سنجی میان عقل و وحی؛

- چپستی مراد از معرفت دینی، همان دین است یا همان فهم فرد از دین.

منصور نصیری:

آرای اندیشمندان در رابطه علم و دین، به صورت کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، با دغدغه دفاع از دین، قائل هستند که دین اساسا در مسائل کنونی، دخالتی ندارد و هدف پیامبران، بیان نسبت میان انسان و خداست و نه بیان چگونگی زندگی انسان. دسته دوم، با انتظار حداکثری از دین، هدف دین را علاوه بر آخرت، آبادی دنیا نیز دانسته‌اند. مدافعان فقه که دین را نیز منحصر در فقه می‌کنند، معمولا معتقد به این دیدگاه هستند.

علت پیدایش این دو دیدگاه، تعریف متفاوت از خاتمیت و چرایی آن است که دسته اول، علت خاتمیت را کامل شدن عقل بشر و دسته دوم، تکامل دین می‌دانند و بر این اساس است که دین می‌تواند در همه عرصه‌های زندگی بشر دخالت کند. قداما در فهم دین، دین را منحصر در فقه نمی‌دانستند و فهم جامع را اراده می‌کردند. به نظر می‌رسد بهتر است به جای چگونگی رابطه دین و علم، رابطه میان الهیات به معنای اعم و علم گفته شود. حکمت متعالیه، ناظر به حوزه مفهوم‌پردازی است و از آن، سیاست استخراج نمی‌شود.

از جمله مهم‌ترین دیدگاه‌های رایج در باب معرفت دینی، دیدگاهی از شهید مطهری است که بر اساس آن، دین در معیشت و توسعه دخالت دارد و مدل ارائه شده در آن، از فقه گرفته می‌شود. از نظر ایشان، در اسلام، یک دسته عناصر اصلی مثل اهم و مهم و تأکید بر تمایز بین روح عمل، قشر عمل و اختیار حاکم وجود دارد که در تمامی زمان‌ها کارگشا بوده و موجب پویایی دین است. در دیدگاهی دیگر، تأکید بر انقلاب درونی انسان و ایجاد رابطه فردی انسان با خدا شده است.

با توجه به یافته‌های موجود در فلسفه علم، رسیدن به یک مدل تهذیبی که بتوان آن را در قالب روش‌شناسی (که از لاکتوش الهام گرفته می‌شود) تبیین علمی نمود، ممکن است.

**واژگان کلیدی:** انتظار از دین، رویکرد تفسیری، پیشرفت، فلسفه دین، معرفت‌شناسی.